

ادامه از صفحه اول

سیاست‌گذاران نابالغ و فقربیادگیری

جایی‌که ذیل هدف هفتم این طرح از «ایمن‌سازی خانواده از آسیب و بحران‌های اجتماعی و حمایت از خانواده» می‌گوید. حال پرسشی اینجاست که ذیل طرح «صیانت از فضای مجازی» بطور یا محدودکردن خانواده در کسب معیشت، «ایمن‌سازی» او را به‌ویژه در شرایط کنونی بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و همه‌گیری کرونا می‌توان تأمین کرد؟ نسبت این دو سیاست که هر دو از یک مجلس صادر شده است، کجاست؟ از اهداف طرح «جوانی جمعیت و تعالی خانواده» اتفاقاً «همگرایی و هماهنگی در کلیه سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در موضوع خانواده» است. درحالی‌که این دو طرح که از سوی یک مجلس دنبال شده، در آنجا که خانواده را هدف خود قرار داده‌اند، نه‌تنها همسو نیست بلکه در تناقض با یکدیگر است. یکی با محدودکردن خانواده در کسب معیشت، حرج خانواده را به دنبال دارد و دیگری بر روی کاغذ تعالی آن را شعار می‌دهد. ارائه‌دهندگان طرح صیانت از فضای مجازی در دفاع از آن می‌گویند که هدف «تمرکز بر ساماندهی و حمایت از پیام‌رسان‌های داخلی، نخبگان و متخصصان این حوزه» است. ضمن اینکه سیاست‌گذار تعریف دقیق «ساماندهی» ارائه نمی‌کند. دریا نه از موضوع هم ساکت است که بدون میدان‌داران به رقابت در فضای مجازی، چه تضمینی وجود دارد که خیمات در این فضا هم به لحاظ کیفیت و هم قیمت حکایت خودروی ملی را برای ملت تکرار نکند. اگر هم حفظ حریم افراد در فضای مجازی یا معانعت از دسترسی کودکان به سایت‌های ممنوع، آن‌گونه که در طرح آمده دغدغه سیاست‌گذار است، این راه با برگشیدن دیوارهای امنیتی در فضای مجازی تأمین نمی‌شود، در این‌باره قوانینی وجود دارد که با استناد و اجرای آنها می‌توان کنترل بیشتری بر این فضا اعمال کرد، راهبردی که عمدتاً اغلب کمشورها در محافظت از کاربران فضای مجازی دنبال می‌کنند. ضمن اینکه تجربه سیاست‌های مشابه، ناکارآمدی چنین سیاست‌هایی را پیش‌تر نمایان کرده است. سیاست‌گذار که به نام صیانت از حقوق کاربران فضای مجازی، اما بی‌اعتنا به مخالفت‌های گسترده همان کاربران، طرح را ذیل اصل ۸۵ برده و تصویب آن را با اضطرار و اضطراب، پشت درهای بسته دنبال می‌کند، نه اعتنایی به یادگیری سیاست‌گذاری دارد و نه اولویت‌های سیاست‌گذاری را درک کرده است. اغلب تحلیلگران درباره خوزستان که سیراب از ناکارآمدی‌های سیاست‌گذاری و اهمال‌های مدیریتی است، از بی‌توجهی به رویکردهای انسانی و اجتماعی پروژه‌های مهندسی می‌گویند. همین موضوع درباره طرح‌هایی که زیر عناوین گمراه‌کننده «صیانت و تعالی» در راستای پروژه شکست‌خورده مهندسی فرهنگی نیز دنبال می‌شود، صادق است. طرح‌های ایدئولوژی‌زده و فاقد رویکرد انسانی و اجتماعی که درحال‌حاضر مهم‌ترین و شیرین‌ترین برنامه بهارستان‌نشینان شده است. در نظام سیاست‌گذاری نابالغی که نه یادگیری درون‌زا را در سیاست‌گذاری مسودر توجه قرار می‌دهد و نه یادگیری از برون را برمی‌تابد، در هر سطحی که هست، بر شکاف میان خود و مردم دامن زده است؛ اگرچه خود را از مردم و برای مردم بنامد. ظرفیت پایین اداری در کنار نابالغی در سیاست‌گذاری از یک سو و آگاهی مردم به حقوق خود و مطالبه آن وضعیت را به سویی برده است که نظام سیاست‌گذاری برای کاهش هزینه‌های

سیاست‌گذاری‌اش در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، چاره‌ای جز توجه به یادگیری سیاست‌گذاری و کاربست این یادگیری ندارد. بنابراین به این نظام سیاست‌گذار باید هشدار داد، پیش از آنکه دیر شود، به دور از هیجانات، یادگیری سیاست‌گذاری را در فرآیند رسمی خود قرار داده و به بخشی از نظام تصمیم‌سازی خود تبدیل کند. سیاست‌گذاری کارآمد نیازمند سیاست‌گذاریانی است که هم بلوغ سیاسی داشته باشند و هم به دانش سیاست‌گذاری توجه کنند. اینجاست که به‌جای بیره‌رفتن در سیاست‌گذاری، صیانت از جان مردم و پیگیری حق حیات آنان از طریق تأمین آب و نان و واکسن را بر صیانت از فضای مجازی اولویت خواهند داد.

✦ **پژوهشگر سیاست اجتماعی و عضو هیئت‌علمی دانشگاه علامه طباطبائی**

شرق

افزایش ۳۸ درصدی مرگ‌ومیر گروناوی در کشور

● **شرق:** بنا بر اعلام روابط‌عمومی وزارت بهداشت ۳۲هزارو ۵۱۱ بیمار جدید کووید۱۹در کشور شناسایی شدند و متأسفانه ۳۴۶ بیمار نیز جان خود را به‌دلیل این بیماری از دست دادند. تاکنون ۹میلیون و ۹۲۵هزار و ۶۰۳ نفر در اول واکسن کرونا و دومیلیون و ۲۴۱هزارو ۹۷۹ نفر نیز دُوم را تزریق کرده‌اند و مجموع واکسن‌های تزریق‌شده در کشور به ۱۲میلیون و۶۶۷هزارو ۵۸۲ دُز رسید. افراد واجد شرایط برای تزریق واکسن حتما در سامانه‌ی salamat.gov.ir ثبت‌نام کنند. از نهم تا ۱۰ مردادماه ۱۴۰۰ بر اساس معیارهای قطعی تشخیصی، ۳۲هزارو ۵۱۱ بیمار جدید مبتلا به کووید۱۹ در کشور شناسایی شد که سه‌هزارو ۹۲۳ نفر از آنها بستری شدند.

جامعه

چه کسانی اتوبوسی به شهرداری نیرو وارد کردند؟

بررسی قله‌های ورود‌های نیرو به شهرداری



انتخابات، مجوز برگزاری آزمون استخدامی برای پنج هزار نفر و تغییر وضعیت آنها صادر شد و به تبع این مجوز آزمون استخدامی برگزار شد و کسانی که قبلاً قرارداد داشتند در این آزمون شرکت کردند و ابتدا به صورت رسمی –آزمایشی و در مرحله بعد رسمی شدند. رویداد دیگر در این سال افرادی بودند که در سیستم‌های پیمانکاری مشغول کار بودند. این افراد از تمام شرکت‌های پیمانکاری جمع شدند و در شرکت هادیان شهر متمرکز شدد.

در دوره پنجم مدیریت شهری روی کاهش نیروی انسانی تمرکز شد و به گفته حامد مظهربان، معاون شهردار تهران، این کاهش از مکانیسم‌های انگیزشی تشویقی استعفا، انتقال و بازنشستگی بود که کمی از هزینه‌های شهرداری تهران کاست، مظهربان یادآوری می‌کند که در شروع دوره پنجم مدام سؤال می‌شد که شهرداری تهران چه میزان نیرو دارد اما متأسفانه آمار مشخصی نبود؛ چراکه هر زمانی برای خود تعدادی نیرو داشت. بنابراین مدتی طول کشید تا تعداد این نیروها احصا شود، اما امروز سامانه‌ای داریم که به‌روز کم و زیادشدن نیروها را احصا می‌کند و در سامانه شفافیت نیز فهرست همه نیروها قابل مشاهده است. او هم افزایش ناگهانی تعداد استخدام نیروها در زمان برگزاری انتخابات‌ها در دوره‌های گذشته را یادآوری می‌کند و می‌گوید: بدترین ورود نیرو در سال ۹۵ و ۹۶ در شهرداری تهران رخ داده که حدود ۱۲ هزار نفر به سازمان اضافه شدند. اما برای اولین بار اکنون تعداد نیروهای شهرداری تهران به زیر ۶۰ هزار نفر رسیده و این اتفاق بدون ایجاد ناراضی‌های گسترده و از طریق ساماندهی نیروها و بازنشستگی انگیزشی محقق شده است. حالا یک ماه مانده به تغییر مدیریت شهری، مجوز تغییر وضعیت دوهزارو ۱۰۰ نیروی انسانی در شهرداری گرفته شده بود اما رای‌یافتگان ششم تمام تلاش خود را برای توقف این تغییر وضعیت‌ها کردند. حامد مظهربان در یادداشتی در کانال تلگرامی‌اش در این رابطه نوشت: در دو سال گذشته که اقتضار، نبود در خانواده بزرگ شهرداری تهران را داشته‌ام، در کنار موفقیت‌های کسب‌شده با موانعی در راه رسیدن به

داشته باشیم که البته این موضوع برای تخریب شورای پنجم مستمکنی بود اما در عمل کسانی را که بازخرد یا بازنشسته می‌شدند، جایگزین نکردیم و دیدید که ما ۱۱ هزار نفر از پرسنل شهرداری را کاهش دادیم و از ۷۰ هزار نفر به ۵۹ هزار نفر رسیدیم.

به گفته او، نکته دوم اینکه قانونس ایتارگران اجازه می‌دهد ایثارگرانی که در شهرداری به‌صورت قراردادی مشغول هستند به‌صورت رسمی استخدام شوند که تعدادشان دوهزارو ۷۰۰ نفر است و این امر مربوط به قانون ایثارگران است.

هاشمی اضافه می‌کند: موضوع بعدی بحث استخدام کسانی است که سال‌هاست به‌صورت قراردادی در شهرداری مشغول هستند؛ اتفاقی که در انتهای شورای قبلی افتاد و چهار تا پنج هزار نفر را به همین سبک استخدام کردند. البته مدتی است که شهرداری از سازمان اداری استخدامی درخواست کرده اجازه بدهند بین دو هزار تا دوهزارو ۱۰۰ نفر استخدام شوند و هدف شهرداری هم این نیست که از بیرون کسی را بگیرد بلکه افراد درون‌سازمانی بتوانند اندک‌اندک به سمت استخدام رسمی بروند و این جریان نیز به‌طور کامل زیر نظر سازمان امور استخدامی و اداری کشور صورت می‌گرفت.

هرچند مقاومت در برابر استخدام در شهرداری منتقدانی جدی نیز در شورا داشت. حجت‌نظری، عضو شورای شهر تهران، درخصوص استخدام‌های دقیقه ۹۰ و قله‌های ورودی نیروی انسانی در پایان هر دوره از مدیریت شهری به شهرداری می‌گوید: اصلاً هیچ قله ورودی در شورای پنجم وجود ندارد. در دوره پنجم مدیریت شهری ما هیچ قله ورود نیروی انسانی نداریم و تنها مقطعی که تعداد درخور توجهی نیرو هم‌زمان با هم وارد شدند، زمانی بود که فراخوان عمومی و با آزمون برگزارشده توسط نهاد‌های بیرونی تعدادی به‌عنوان دستیار به سیستم مدیریت شهری اضافه شدند.

نظری ادامه می‌دهد: اتفاقاً این یکی از نقاط انتقاد شخص بنده به آقای حناچی است که به حکم شورا به‌طور کامل عمل نکرد و نیروهایی را تعدیل کرد با وجودی که می‌توانست تیمی از آنها را به عنوان نیروی جدید مجددا در شهرداری به کار بگیرد، اما این کار را نکرد و شاید کل جذب‌شده‌های دوره پنجم مدیریت شهری اندازه کسانی که آقای قالیباف در ماه‌های پایانی هم جذب کرد، نباشند.

وی می‌گوید: از این نظر هم کاملاً سیاسی‌کاری شده است، و فرافکنی می‌شود. من یک بار هم در صحن شورا این‌را عرض کردم که ترجمه صحبت غوغاسالارانی این روزها دارند خودشان را به دروغ مدافع حقوق ملت جلوه می‌دهند، این است که شما جذب نکنید تا ما بباییم و رفقای خودمان را سر کار بیاوریم. بنابراین من تأکید می‌کنم که این اتفاق نشده و با تأسف هم می‌گویم که این اتفاق نشده و معتقدم که اتفاقاً باید خون جدیدی در رگ‌های مدیریت شهری در دوره پنجم جریان پیدا می‌کرد که این اتفاق با سوسوتدبیر و با بزبلی نداشتیم و همان‌طور که می‌دانید خود من نامه‌ای را امضا کردم که چهار تا شش درصد هرساله کاهش

داستان تغییر وضعیت‌ها در شهرداری یا به قول برخی استخدام‌های دقیقه‌نودی در شهرداری را محسن هاشمی این‌گونه تشریح می‌کند: شورای شهر در دوره پنجم به‌شدت مواظب بود افزایش پرسنل نداشته باشیم و همان‌طور که می‌دانید خود من نامه‌ای را امضا کردم که چهار تا شش درصد هرساله کاهش

داستان تغییر وضعیت‌ها در شهرداری یا به قول برخی استخدام‌های دقیقه‌نودی در شهرداری را محسن هاشمی این‌گونه تشریح می‌کند: شورای شهر در دوره پنجم به‌شدت مواظب بود افزایش پرسنل نداشته باشیم و همان‌طور که می‌دانید خود من نامه‌ای را امضا کردم که چهار تا شش درصد هرساله کاهش

داستان تغییر وضعیت‌ها در شهرداری یا به قول برخی استخدام‌های دقیقه‌نودی در شهرداری را محسن هاشمی این‌گونه تشریح می‌کند: شورای شهر در دوره پنجم به‌شدت مواظب بود افزایش پرسنل نداشته باشیم و همان‌طور که می‌دانید خود من نامه‌ای را امضا کردم که چهار تا شش درصد هرساله کاهش

نابیده‌گرفتن یا مرزبند بین کولی‌ها و غیرکولی‌ها همچنان معیشت و نیازهای اولیه زندگی کولی‌ها را مانند آموزش و مسکن با مخاطره مواجه می‌کنند. این طرز تفکر چنان بین ایشان و دیگری شکاف عمیق و پرنانداشنی ایجاد کرده که سبب شده زیست کولی‌ها با بی‌توجهی، آزار و انواع آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عجنین باشد. نمونه فجع این امر را می‌توان در واقعه تلخ هولوکاست کولی‌ها که جست‌وجو کرد. کولی‌ها که برای سده‌ها در اروپا هدف آذیت و آزار ضد کولی‌ها قرار می‌گرفتند، با روی‌کارآمدن هیتلر و آلمان نازی به‌عنوان افرادی ضد اجتماع شناسایی شده و مدام در خطر دستگیری قرار داشتند تا اینکه سازمان بهداشت رایش با انجام آزمایش زیست‌شناسی روی کولی‌ها اعلام کرد خون کولی‌ها خالص نبوده و می‌تواند نژاد خالص آریایی را لکه‌دار کند. این تحقیقات، بهانه‌ای به دست نیروی نازی داد تا هرچه سریع‌تر حدود ۳۳ هزار کولی را به اردوگاه‌های کار اجباری ازجمله داخائو، ایدل‌شتراسه و… روانه کرد. اما این تبعید دیری نپایید چراکه اس اس نمی‌توانست اردوگاه خانوادگی کولی‌ها را بیش از این تحمل کند. سرانجام در می ۱۹۴۴، کولی‌ها با اطلاع از تصمیم قبلی کشتار توسط اس اس سعی کردند که با وسایل ساده‌ای که در اختیار داشتند، مانند اثر، بر… در برابر نچهپانان مقاومت کنند. این مقاومت چنان غیرمنتظره بود که سبب شد نیروی اس اس برای مدتی عقب‌نشینی کند. پس از گذشت چند ماه، این بار اس اس برای عملی کردن نقشه شوم خود، در ابتدا زندانیان را تقسیم‌بندی کرد. حدود سه هزار کولی را به مناطق دیگر فرستاد و باقی‌مانده را که حدود ۱۹ هزار نفر اعم از کودکان و زنان بودند، با فرستادن به اتاق گاز به کام مرگ کشاند. این جنایت چنان فجع بود که در تقویم بین‌المللی روز دوم آگوست، روز هولوکاست کولی‌ها نام‌گذاری شد تا شریفت آنچه را بر کولی‌ها رفته بود، هر سال به یاد آورد؛ اما به نظر می‌رسد این عمل نیز با شکست مواجهه شده چراکه همچنان کولی‌ها در معرض دیدگاه تبعیض‌آمیز و نژادپرستی قرار دارند. امروزه کشورهای مختلف با

دگدایی بر دوش مادر بسته می‌شوند و پس از آن در چهار، پنج‌سالگی برای کدایی با دست‌فروشی خود در خیابان‌ها به‌صورت مسکن ظاهر می‌شوند. ازدواج آنان نیز در سنین پایین اتفاق می‌افتد. اگر دختر باشند تا ۳۰سالگی که زمان بازنشستگی زنان کولی است، به شغل کفبری و کدایی مشغول شده و تمامی درآمد خود را به شوهر می‌دهند. اگر پسر باشند تا زمانی که موفق شوند دختری کولی را به‌اصطلاح کاسب خود کنند (ازدواج)، به‌کارکردن ادامه داده و بعد از آن بازنشسته محسوب شده و می‌توانند به تفریح بپردازند. کودکانی که حاصل ازدواج کولیان هستند نیز به سبب آنکه معمولاً مادر و پدرشان شناسنامه و همچنین عقدنامه ندارند، بدون شناسنامه می‌مانند. در نبود این مهم، نه‌تنها آنان نیز از حقوق ابتدایی خود مانند آموزش، خدمات درمانی و اجتماعی بی‌بهره می‌شوند، بلکه بخود شهروند ایرانی نیز شناخته نمی‌شوند. از آنجایی که اغلب کولی‌ها هیچ کاری بلد نیستند، کودکان نیز مانند بزرگ‌سالان به ارتکاب جرم و تکدی‌گری رو آورده و دوباره پس از گذراندن مدت‌زمانی در زندان به نقطه اول بازمی‌گردند. در واقع طرد اقتصادی و اجتماعی کولیان در طول سال‌ها باعث شده این گروه تکدی‌گری و جرم‌آلود برای ارتکاب جرم‌خیز شروع برای حفظ بقا بدانند.

در آخر، باید بر این نکته ادعان کرد که در نبود تعامل، دربرگرفتن مفهوم تنوع و احترام به تفاوت‌ها، موقعیت و نقش‌های کولی‌ها در جامعه ایران به‌عنوان امری خطرناک و شوم دیده می‌شود که باعث طرد اجتماعی و اقتصادی آنان شده است. این نوع نگرش سیاست‌گذاران را بر آن می‌دارد تا با اتخاذ سیاست‌های غلط، برای حذف ظاهری آنان در سطح شهر تلاش کنند. تلاش‌هایی مانند آنچه پیش‌تر دیده شد که نه‌تنها باعث بهبود وضعیت این اقوام در ایران نمی‌شود، بلکه آسیب‌پذیری آنان را بیشتر کرده و در نتیجه باعث می‌شود معضلات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی میان آنان قوام بیشتری بیابد.

یادداشت

متاستاز توسعه نامتوازن این بار در خوزستان

منصور غنیان*

● سر‌بازکردن مجدد بخشی از مشکلات توسعه نامتوازن کشور، این بار در استان خوزستان، منجر به دادخواهی مردم مظلوم این استان شده است. در این چند روز، صداها و نواهای بلندشده عمدتاً در حمایت از این دادخواهی‌ها و در نکوهش آنچه انجام شده است، بوده‌اند. مسئولان قدیم و جدید نیز در مراتن «کی بود، کی بود، من نبودم» در حال مبارزه با دشمن‌فریبی هستند و البته برخی نیز خیرخواهانه یا از سر دلسوزی، آستین‌ها را بالا زده‌اند تا از ظن خود یاد خوزستان شوند. متولیان و صاحب‌منصبان باید پاسخ دهند چرا باید تنش، درگیری و اعتراض به وجود آید تا مثلاً اجازه رهاسازی آب و رسیدن آب به تالاب را داد؟ چرا پیش از این فکری برای صدها روستای فقیر آب شرب سالم و بهداشتی نشده است؟ چگونه و با کدام استدلال اجازه انتقال آب بین‌حوضه‌ای بدون توجه به تبعات میان‌مدت و بلندمدت آن داده شده است؟ و ده‌ها و شاید صدها سؤال مشابه. البته یک سؤال مهم هم هست: اینکه آیا این مردم شایسته زیستن در چنین وضعیتی هستند؟ آیا مشکل فقط در خوزستان است؟ پاسخ به‌روشنی خیر است. آنچه در خوزستان اتفاق افتاده است، دیر یا زود در سایر مناطق کشور نیز رخ خواهد داد. برنامه‌های توسعه در بیش از ۶۰ سال اخیر، فاقد آینده‌نگری دانش‌محور در طراحی، اجرا و ارزشیابی بوده‌اند. مکان‌یابی‌های نامناسب پروژه‌های عمرانی، صنایع ناسازگار با شرایط محیطی، کشاورزی غیرقطلابی و غفلت از جنبه‌های نرم توسعه، وضعیت را به شکلی درآورده است که حتی متولیان نیز قادر به دفاع از اقدامات خود نیستند و به‌ماله‌کشی دیوار توجه مشغول‌اند. سیستان وبلوچستان، خراسان جنوبی، فارس، اصفهان، کرمان، گلستان و حتی مازندران و گیلان نیز هرکدام به دلایلی در نوبت به صدا درآمدن زنگ خطر هستند.

آیا مشکل همین است که امروز گفته می‌شود؟

امروز صحبت از کمبود آب در خوزستان است، اما باید توجه داشت که مسئله اصلی فراتر از این است. فقر نهادهی‌شده در زیربخش‌های مختلف در کنار مسائل منطقه‌ای و البته همه‌پایه‌های پدیده‌هایی همچون گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی، آسیب‌پذیری را به حد اعلای خود رسانده و امکان برون‌رفت از وضعیت فعلی و تسوان و تاب مردم را برای تقابل با آنچه رخ داده، سخت کرده است. خوزستان امروز در معرض مخاطراتی مختلف قرار دارد. بنا بر ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی منطقه، حساسیت نسبت به این مخاطرات افزایش یافته و قدرت تطبیق و مقابله با این مخاطرات به‌شدت کاهش یافته است. محدود جلودادن مسائل و مشکلات خوزستان به مسئله کمبود آب، قطعاً ساده‌انگارانه و تلاش برای پاک‌کردن صورت‌مسئله است.

مشکل کجاست؟

توسعه متوازن و پایدار در شرایط ناپایدار و متغیر امروز، بیش از هر چیز نیازمند حکمرانی مناسب و کارآمد است. برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران فاقد اصول بنیادین حکمرانی خوب ازجمله شفافیت، مشارکت و مسئولیت‌پذیری بوده‌اند. نمی‌توان مشکلات و مسائل امروز خوزستان را تحلیل کرد، بدون آنکه نگاه کامیتی دولت مرکزی، تضاد و تناقض آن در اسناد بالادستی، نظام از بالا به پایین برنامه‌ریزی و بودجه‌بندی و چگونگی نقش‌آفرینی ذی‌نفعان اصلی توسعه را نقد نکرد. امروزه نمی‌توان مدیریت یکپارچه سرزمینی را با نگاه سنتی انجام داد. پارادایم‌های کلاسیک توسعه از جمله نوسازی و وابستگی (که متأسفانه هنوز محور اقدامات توسعه‌ای کشور هستند) کارآمدی خود را از دست داده‌اند و قادر نیستند جریان توسعه را حتی در سطح کنونی حفظ کنند و روز به روز شاهد سپرقت در شاخص‌های توسعه در سطح کشور هستیم.

چه باید کرد؟
باید توجه داشت تشکیل کارگروه و شورای راهبردی، کمیته حقیقت‌یاب و موارد مشابه که همواره به‌عنوان اولین راهکار به ذهن مسئولان خطور می‌کند، نه‌تنها چاره کار نیست، بلکه کار را پیچیده‌تر می‌کند و رسیدن به پاسخ‌های واقعی را به تأخیر محور انداخت. در قبال مسئله اخیر خوزستان و مسائل احتمالی آتی در سایر مناطق کشور نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات کارآمد به‌هم‌پیوسته و دارای ضمانت اجرایی در سطح خرد و کلان هستیم.

ادامه در صفحه ۱۱